

وجوه اختلاف فرهنگ کار در ایران و اروپا

♦ دکتر فریال حاجی‌زاده

دندان‌پزشک و تاریخ‌پژوه



عدم وجود درآمد سرشار تجارت دریایی، درآمدزایی مبنی بر تولید داخل شکوفا می‌شود. هنوز هم ۱۰ درصد درآمد خالص جهان از ماهیگیری است، ولی آیا ده درصد درآمد کشور ما از ماهیگیری است؟ متأسفانه پاسخ منفی است.

اگر به فلسفه گرگور برای ماهیگیری دقت کنید، متوجه خواهید شد که ماهیگیری سنتی هنوز هم در حاشیه خلیج فارس جاری است و شاید اگر همین پهنه از دریا در اختیار اروپائیان بود، درآمد ناشی از آن باعث رونق اقتصادی و سازندگی در کل کشور می‌شد.

در روزگاری که سرما دغدغه بسیاری از مردم جهان از جمله اروپاییان بود، سال‌ها پیش از اکتشاف نفت، نفت سفید از کوه‌های باکو که آن زمان در خاک ایران بود چکه می‌کرد و قیر طبیعی برای ضد آب کردن سقف آتشکده‌ها و نیز ساختن مجسمه و مهر و... استفاده می‌شد.

این روزها مهاجرت که توسط مدیا با ایجاد عدم امنیت، رهبری می‌شود و در واقع نوعی برده‌داری نوین است، بسیاری از مردم توانمند کشورمان را راهی کشورهای دیگر می‌کند که شاید نزدیک‌ترین مقصد اروپا باشد. ولی آیا این تفاوت سطح زندگی توازنی با ساعت کار، کیفیت کار و امنیت واهی یا واقعی مورد انتظار دارد یا سرابی بیش نیست؟

آیا اگر هموطنان ما توسط مدیا نسبت به پتانسیل‌های کشورمان مأیوس نشوند و همان میزان تلاش و نظم که پس از ورود به سیستم کار اروپایی به خرج می‌دهند در ایران پیاده کنند، نتایج درخشان فردی و اجتماعی حاصل نخواهد شد؟

یکی از مهم‌ترین خطاها در کشورمان عدم

از دیرباز اقتصاد ایران بر نیروی کار داخلی متکی نبود. از زمان عیلامیان و آشوریان، اسرای جنگی به کارهای سخت گماشته می‌شدند و پس از تصمیم کوروش کبیر برای کوچاندن دسته‌جمعی و خانوادگی اسیران به مناطق بد آب‌وهوا برای آباد کردن آن، بار مالیات مناطق خشک و بی‌آب ایران بر عهده کسانی قرار گرفت که به اجبار به ایران کوچ کرده بودند.

تجارت، شیرازه اصلی درآمد ایرانیان در طول اعصار بوده و یکی از علت‌هایی که راه آبی و خاکی جاده ابریشم با وجود صعب‌العبور بودن مناطقی از ایران، از کشور زیباییمان می‌گذشت، دمای هوا بود.

حمل‌ونقل امروزی به علت پیشرفت‌های بارز جامعه بشری بسیار متفاوت از آن دوران است. آنچه در این میان بسیار مهم و تعیین‌کننده

بود، دما بود. دمای هوا در فلات ایران اجازه جابه‌جایی بدون آسیب بسیاری از اقلام را می‌داد؛ برای مثال ابریشم اگر از شمال خزر عبور می‌کرد آسیب می‌دید و دچار سرمازدگی و از محل تای پارچه و یا فشار اگر منجمد می‌شد پاره می‌شد. مسیر ادویه هم به علل مختلف به‌صورت عمده از ایران می‌گذشت. عادت به درآمد آسان به علت موقعیت جغرافیایی و منابع فراوان باعث نوعی کرختی و عدم تلاش برای

درآمدزایی مضاعف در ایرانیان شد. پس از حمله اسکندر، تجارت دریایی به مدت یازده سال مختل شد و در سال‌های پایانی این یازده سال، کارگاه‌های مختلفی برای تولید پارچه در اقصی نقاط مسیر تجارت دریایی، ایجاد شد که نشانه این است که در زمان

وجود قوانین حمایتی از کارفرماست؛ در واقع در صورت قصور نیروی کار و اخراج او فشار قانون تنها بر دوش کارفرما برای احقاق حقوق کارگر است. این موضوع باعث عدم حکفرمایی قانون و نظم و عدم تعهد به کار در ایران می‌شود. وجود شغل‌های کاذب و درآمدهای میلیاردری یکی از علل دیگر دلسردی نیروی کار در ایران است، وجود رانت برای نشستن بر کرسی مشاغل مهم از دیگر مسائل بازدارنده جذب نیروی متخصص و نخبه کشور است.

امنیت شغلی برای کسانی که عشق به کار دارند، منظم‌اند و برای رسیدن به جایگاه خود زحمت زیادی کشیده‌اند، هموطنان ما را به کوچ به کشورهایی سوق می‌دهد که حتی با ساعات کاری بیشتر و قوانین محکم‌تر، تراز عادلانه بین خدمت آن‌ها به جامعه مادر و حمایت جامعه از آن‌ها برقرار می‌کند. اینکه آیا آن‌ها بازنده‌اند یا برنده به جهان‌بینی‌شان مربوط است ولی مطمئناً بدون حضور نیروی کار عاشق



کوچ اجباری این مردم سنی به دبی، ۵۰ سال پیش از شکوفایی دبی صورت گیرد و قدیمی‌ترین منطقه آن بستکیه نام گیرد. در حال حاضر هم احاطه بر علوم انسانی در میان مردم کشورمان مانند اقبانوس کم‌عمقی است که ارزش چندانی ندارد.

مردم ما تاریخ را از سریال‌های تلویزیونی که بسیار سخیف و دور از حقیقت است آموخته‌اند، حقوق شهروندی خود را نمی‌شناسند و هرگز اهمیت دانستن اصول فلسفه و ... را نمی‌دانند. همین تفاوت‌ها باعث می‌شود که وقتی یک نخبه ریاضی یا یک پزشک بسیار توانا که با نگرش لوله تفنگی وارد کشورهای اروپایی می‌شود، هر رنج و ناملایمی را به جان بخرد تا فرزندش در جایی نفس بکشد که عدالت اجتماعی وجود دارد.

در صورتی که اگر قانون در کشورمان جاری بود و ضمانت اجرایی داشت، اگر حقوقدانان ما، حقوق شهروندی آن‌ها را به‌صورت مکتوب و عادلانه تدوین کرده بودند و قوه قضائیه با خطاکاران برخورد درست و قاطع داشت. این سرمایه‌های انسانی تلف نمی‌شدند و مگر آیا زندگی و کار در اروپا برای یک نخبه آسان‌تر از زندگی و کار در ایران است؟ از نگاه من هرگز قوانین در آنجا اجازه بالا رفتن از پله‌های ترقی را فراتر از نیازت نمی‌دهند. ♦♦

کار را در دست می‌گیرد و این چیزی است که مردم بیگانه‌پرست هرگز باور نمی‌کنند! هنوز نام ادوارد براون بر خیابانی نزدیک دانشگاه تهران وجود دارد و هرگز فکر نمی‌کنیم با چه انگیزه‌ای او از دانشگاه آکسفورد دو سال (که به سه سال انجامید) بورسیه گرفته تا در میان ایرانیان (خاصه اهالی کرمان) زندگی کند! زمانی که در هنگام کشف حجاب چادر از سر زنان بستکی که کوزه بر سر به آب‌انبار برای برداشتن آب می‌رفتند، برنامه‌ریزی کرده بودند که

این روزها مهاجرت که توسط مدیا با ایجاد عدم امنیت، رهبری می‌شود و در واقع نوعی برده‌داری نوین است، بسیاری از مردم توانمند کشورمان را راهی کشورهای دیگر می‌کند که شاید نزدیک‌ترین مقصد اروپا باشد. ولی آیا این تفاوت سطح زندگی توازی با ساعت کار، کیفیت کار و امنیت واهی یا واقعی مورد انتظار دارد یا سرابی بیش نیست؟ آیا اگر هموطنان ما توسط مدیا نسبت به پتانسیل‌های کشورمان مأیوس نشوند و همان میزان تلاش و نظم که پس از ورود به سیستم کار اروپایی به خرج می‌دهند در ایران پیاده کنند، نتایج درخشان فردی و اجتماعی حاصل نخواهد شد؟

سمت‌وسوی اقتصاد کشورمان رو به غروب خواهد رفت.

اگر به تاریخ اروپا بنگریم، آن‌ها محل زندگی‌شان را برای انجام کار مناسب با منبع انرژی تغییر می‌دادند؛ برای مثال از مواد مذاب آتشفشان وزوو برای ریخته‌گری و ساخت وسایل فلزی، ساخت شیشه و لوازم پزشکی موردنیازشان استفاده می‌کردند. در واقع کار، شیرازه زندگی و اساس زیستن به شمار می‌رفته است. حتی هنر وسیله‌ای برای کسب درآمد و معاش بوده و شاید مشابه آنچه نقاشان بعد از رنسانس در اروپا انجام می‌دادند را در ایران بتوان در شاعران دربار و خطاطانی یافت که برای دربار شاهان ایرانی می‌سرودند و می‌نوشتند.

تفاوت واضح در این است که در اروپا یک نقاشی ممکن بود توسط یک زمین‌دار سفارش و به مقام بالاتر اعطا شود تا امتیازی کسب کند و ارتباط واضح‌تری بین هنر و درآمدزایی وجود داشت.

یک حباب خالی که امروز در میان علوم در ایران وجود دارد که زمانی به بهترین و بالاترین وجه در میان علوم ایرانی - اسلامی دیده می‌شد، علوم انسانی است؛ در واقع از قرن شانزدهم استعمار پیر با غلبه بر علوم انسانی و برنامه‌ریزی منابع انسانی برای یک قرن بعد، کنترل و جهت‌دهی نیروی